



arsafakhoo@yahoo.com

علیرضا صفاخو

## یه حرفایی که باید زد..!

### از اون حرفا که می‌دونم، از اون حرفا که می‌دونی...

ماه‌های منتهی به دوره هشتم نیز، حتی اگر به جواب برسد، دردی از زخم‌های عمیق واردات لجام گسیخته به اقتصاد کشاورزی ایران را دوا نمی‌کند. امروزه مدیران تشکل‌ها در گفتگو پیرامون نقاط ضعف خود نیز، خوب‌شدن‌داری می‌کنند و لب نمی‌گشایند، چرا که نمی‌توانند حرف‌های ناگفته خود را به زبان آورند و درست یا نادرست، از عملکرد مدیران میانی وزارتخانه جهاد کشاورزی و حتی سایر ارگان‌ها گلایه کنند! امروز حتی خوشبین‌ترین منتقدان هم، بی‌اطلاعی وزارتخانه‌های «جهاد کشاورزی» و «صنعت، معدن و تجارت» از روند واردات گسترده غیرقانونی میوه و سایر محصولات کشاورزی را عذری بدتر از گناه می‌دانند.

به طور قطع وزیر جهاد کشاورزی، نه فقط برای ژست‌های مردم‌دوستانه، بلکه حسب ثبت افتخار از دوره مدیریتی خود، رفتارهای ناپه‌نجان در نظام تصمیم‌گیری را بر نمی‌تابد! اما چیست عاقبت این خودسانسوری‌ها از سوی رسانه‌ها و حتی شخص وزیر متولی کشاورزی؟!

شاید صادق خلیلیان امروز به سفارشی می‌تواند دستور دهد، دعوت‌نامه خبرنگاران فراخوانده شده به همایش مشترک سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و سازمان‌های جهاد کشاورزی عودت داده شود؛ اما آیا می‌تواند از ممانعت یکی از مدیران میانی وزارتخانه در توزیع ماهنامه «دام، کشت و صنعت» میان میهمانان مشتاق همایش در وقت پذیرایی نیز جلوگیری کند؟! آن هم فقط به اتهام صریح و علنی نگارش گزارش‌های انتقادی از وزیر؟! وزیر! که دست کم تا امروز، اگر هم به نقدها روی خوش نشان نداده، اما انصافاً و دست کم در کلام ترش نکرده است. نگارنده در عین فرو خوردن حرف‌هایی که فرصت بیان آنها در این مجال مقدور نیست، نمی‌توانم به یاد آن شب‌هایی که خلیلیان در ساعت ۲۳/۳۰ (به رغم خستگی ناشی از تلاش وی جهت اخذ رأی اعتماد برای اسکندری در آغاز دولت نهم) از منزل پاسخگوی تماس‌هایم می‌شد، از او نخواهم که دست کم به حرف‌هایی ما رسانه‌ای‌ها گوش فرا دهد و در عین حال، این توصیه را به امانت از «پابلو نرودا، برنده جایزه ادبیات نوبل، به جان دل پذیرا شود که گفته:

**تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی**

**اگر هنگامی که با شغل، یا عشقت شاد نیستی، آن را عوض نکنی**

**اگر برای مطمئن در نامطمئن خطر نکنی**

**اگر ورای رویاها نروی**

**اگر به خودت اجازه ندهی**

**که حداقل یک بار در تمام زندگی‌ات**

**ورای مصلحت‌اندیشی بروی...!**

آقای وزیر! قلب‌ها از حرف‌های ناگفته بیشتر می‌شکند تا حرف‌های گفته!

نوشتن در مورد صادق خلیلیان این روزها بسیار دشوار می‌نماید! از کجا باید شروع کرد و با چه کلامی آن را پایان داد؟! آیا باید از روزی گفت که استاد وقت دانشگاه تربیت مدرس بود و در نقد محمود حجتی، وزیر وقت جهاد کشاورزی (مقطع زمانی ۷۹ تا ۸۴) هیچ تماس تلفنی را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت یا از روزگار حاضر، که در قامت وزیر، یا پاسخگو نیست و به مانند علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال، فقط لب‌خند تحویل پرسشگرانش می‌دهد و یا پاسخی می‌دهد که شنونده پس از شنیدن آن، از مطرح کردن پرسش خود پشیمان می‌شود! از چه باید گفت وقتی وزیر با الهام از تجربه تاوان صراحت لهجه وزیر دولت نهم، حرکت با چراغ خاموش را حتی اگر به قیمت انحراف از جاده توسعه باشد، ترجیح می‌دهد و او هم به نوعی دیگر ناگفته‌هایش را فرو می‌خورد!

آری، وزیر هم حرف‌های ناگفته بسیار دارد و چه بسا دردها و گلایه‌های به حقش را بازگو نمی‌کند، همان طور که از وزیری با مختصات اخلاقی صادق خلیلیان می‌شود این انتظار را نیز داشت. در واقع خلق و خوی ملایم دکترای اقتصاد کشاورزی خوانده ما، خبر می‌دهد از سر درون! اما در عارضه‌های آتی این بغض‌های فرو خورده، به انصاف اگر بنگریم، خرده‌ای بر ما، اصحاب قلم وارد نیست، چرا که آنها زخم‌های بخش کشاورزی را عمیق‌تر از آن می‌دیدند و می‌بینند که به اراده یک وزیر (البته اگر اراده کند) حل‌شدنی باشد. در واقع حل مسائل این بخش، عزم ملی و حمایت رئیس دولت از وزیرش در حوزه کشاورزی را نیز می‌طلبد که حامی او در مناظره‌های کارشناسی پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ خورشیدی نیز بود. پس چرا باید افسار اقتصاد کشاورزی در دست وزیر صنعت، معدن و تجارت باشد و دست دکتر بخش کشاورزی در پوست گردو بماند؟! مگر نه آنکه رئیس دولت دهم، در بدو اخذ رأی اعتماد دولتش، کشاورزی را در سرلوحه شعار سیاست‌های توسعه قرار داد و خلیلیان نخستین و تنها وزیری شد که در تمکین از دستور رئیس کلید ساختمان شیشه‌ای را دو دستی، و به‌رغم آه و ناله‌های پرسنل، تحویل داد تا آرزوی هر چند محقق نشده رئیس دولت برای خروج کارکنان وزارتخانه از پایتخت مسجل شود؟! اما اگر وزیر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد حرف‌های ناگفته‌اش را بر زبان جاری سازد، آیا رسانه‌ها و کارشناسان هم باید لب فرو بندند؟! دولت در آستانه اجرای فاز جدید هدفمندی یارانه‌هاست، در حالی که تأثیرات سوء تحریم دولت‌های متخاصم با دولت جمهوری اسلامی انکارناشدنی است. کما اینکه ۳ برابر شدن قیمت نفت طی چند سال اخیر و درآمد ارزی بالا، انتظارات عمومی از لزوم کاستن مشکلات را نیز سه‌چندان ساخته است! تداوم سیاست‌های یک بام و دو هوا در حمایت از صنعت خودروسازی داخلی با هر کیفیت و دست و دلبازی در گشودن مرزها به روی واردات میوه‌های پرتنگ و لعاب کشورهای آمریکای جنوبی یا آفریقایی، پرسش‌هایی تا امروز بی‌پاسخ مانده را به اذهان متبادر می‌کند که به طور قطع با تحقیق و تفحص مجلسیان در